



---

## سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن کریم

پدیدآورده (ها) : رفیعی محمدی، ناصر

علوم قرآن و حدیث :: گلستان قرآن :: آذر 1380 - شماره 93

از 37 تا 43

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/62908>

دانلود شده توسط : مهدی سلیمانی

تاریخ دانلود : 30/08/1394

---

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



# سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن کریم

دکتر ناصر رفیعی محمدی  
استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه سمنان

ارتباط بین اکتشافات و قوانین علمی با آموزه‌های وحیانی، از مسایل مهم و مورد توجه دانشمندان علوم تجربی و دین پژوهان بوده است. تلاش دانشمندان مسلمان و مفسران قرآن کریم در جهت تطابق آیات قرآنی با پدیده‌های جدید علمی، شیوه‌ای نو در تفسیر قرآن را بنیاد نهاده است که به تفسیر علمی قرآن موسوم شده است. مقاله حاضر نگاهی گذرا به این شیوه تفسیری دارد. نویسنده ضمن یادکرد سه رویکرد مختلف از مفسران در برابر تفسیر علمی، ریشه‌های تاریخی این روش تفسیری را در آثار مفسران کهن بررسی نموده و سپس سیر تطور آن را در سده‌های مختلف بیان کرده است. در پایان مقاله ضمن تأیید رویکرد اعتدالی در برخورد با تفسیر علمی، شرایط لازم برای پیمودن راه صحیح در تطبیق آیات قرآن با مسایل علمی بیان شده است.

عبدالسلام عبدالمجید محتسب نوشته است:

«تفسیر علمی، تفسیری است که پیروان آن سعی می‌کنند عبارات قرآنی را مبنی نظریه‌ها و اصطلاحات علمی قرار دهند و در استخراج علوم مختلف از آیات قرآن تلاش می‌کنند» (۱).

دکتر محمد حسین ذهبی نیز نظیر این تعریف را آورده است. (۲)  
دکتر بکری شیخ امین نوشته است:

«تفسیر علمی، تفسیری است که از اصطلاحات علمی در قرآن سخن می‌گوید و سعی می‌کند علوم مختلف و آرای فلسفی را از آن استخراج کند» (۳).

و احمد عمر ابو حجر نوشته است:

«تفسیر علمی» تفسیری است که در آن مفسر سعی می‌کند عبارات قرآنی را در پرتو حقایق ثابت علمی بفهمد و رازی از رازهای اعجاز قرآن را کشف کند؛ زیرا آیات قرآن معلومات علمی دقیقی را در بر دارد که بشر در هنگام نزول به آن آگاهی نداشت. (۴)

حافظ ابراهیم در کتاب الاشارات العلمیة فی القرآن الکریم (۵)، استاد محمد صباغ در کتاب لمعات فی علوم القرآن (۶)، دکتر فهد رومی در کتاب انجاهات التفسیر (۷) هر کدام تعاریفی نزدیک به همین مضامین آورده‌اند.

در بیشتر این تعاریف، تعبیر تطبیق نتایج علوم بر قرآن و تلاش در استخراج علوم از قرآن مشاهده می‌شود، در صورتی که مقصود از همه تفسیرهای علمی چنین تطبیقی نیست. به طور خلاصه می‌توان گفت تفسیر علمی شیوه‌ای است که بر اساس آن مفسر سعی می‌کند ارتباط بین آیات هستی‌شناسانه قرآن کریم و اکتشافات قطعی علوم تجربی را کشف و بیان کند تا جنبه‌ای از اعجاز قرآن را آشکار نماید، بدون این که در صدد تحمیل نظریه‌ای علمی بر آیات باشد و یا نقش هدایتی قرآن را فراموش کند.

بررسی سیر تدوین تفسیر علمی در آثار مفسران کهن (شیعه و سنی) قرآن مجید طی ۲۳ سال به تدریج در مناسبت‌های خاص توسط امین وحی بر رسول خدا (ص) نازل شد. آن حضرت پس از دریافت وحی، نخست به قرائت و سپس تبیین آیات بر مردم می‌پرداخت که این دو وظیفه به نص قرآن بر عهده آن حضرت بود (۸).

از ابوعبدالرحمان السلمی نقل شده که اصحاب هرگاه ۱۰ آیه را از پیامبر (ص) یاد می‌گرفتند از آن نمی‌گذشتند تا آنچه را از علم و عمل در آن بود، فرا می‌گرفتند (۹).

دبیش از ۱۴ قرن از نزول قرآن کریم می‌گذرد، اما گذشت زمان هرگز نتوانسته غبار فراموشی و کم‌رنگی بر چهره تابناکش بنشاناند؛ زیرا این کتاب، کوثر شیرین و حیات‌بخشی است که زمزم زلال معارفش احیاگر دلها، و آوای ملکوتی تلاوت آیاتش صفا دهنده ضمیرهای پاک و مستعد است.

قرآن، کتاب خواندن، درک کردن، تدبیر، ژرف‌نگری و عمل کردن و قانون اساسی مسلمانان و آیین‌نامه زندگی طیبه و پاکیزه آنان است، منشور کمال، هدایت، سعادت، رستگاری، عزت و سربلندی انسان‌هاست. قرآن، بهار دل‌های خزان زده، طراوت اندیشه‌های افسرده و حیات روح‌های پذیرا شونده است.

مفسران، دانشمندان و محققان مسلمان و غیر مسلمان با تخصص‌های گوناگون در رشته‌های مختلف علمی در حد توان و معلومات خویش تلاش کرده‌اند، گوشه‌ای از عظمت بی‌انتهای این کتاب الهی را به مردم بنمایانند. صدها کتاب، تفسیر، مقاله و نشریه، گویای چنین کوششی است. در این میان گرایش علمی در تفسیر آیات به شکلی کم‌فروغ از دیرباز در بین مسلمانان رواج داشت. اما در قرن چهاردهم این شیوه رشد چشمگیری کرد و بر بخش‌های گسترده‌ای از تفسیرها سایه افکند. رویکرد به این شیوه تفسیری یکسان نبوده و همواره جذابیت خاصی برای مردم به ویژه اقشار تحصیل کرده و جوانان داشته و مایه حضور بیشتر قرآن در میان نسل‌ها و تجلی آن در محافل علمی شده است.

این گرایش در سه میدان زیاده‌روی (افراط)، کندروی (تفریط)، میانه‌روی (اعتدال) بروز داشته است. جریان اول با مطلق‌انگاری یافته‌های علمی و تکیه بر فرضیه‌ها و نظریه‌هایی که در معرض اصلاح و گاه بطلان بوده دچار لغزش شد؛ به گونه‌ای که رسالت قرآن را به بوتۀ فراموشی سپرد. جریان دوم نیز یکسره نقش علوم طبیعی و دستاوردهای بشری را در تفسیر قرآن نادیده گرفت. در میان این اوج و فرود، جریان سوم با متانت و دوراندیشی بیشتری وارد این میدان شد و با در نظر گرفتن رسالت قرآن به بررسی آیات در بردارنده اشارات علمی و تطبیق آن با یافته‌های قطعی علم روز پرداخت.

بررسی تاریخی این سه جریان، دلیل‌های موافقان و مخالفان، شناخت اصول و مبانی تفسیر علمی، مواردی از تفسیر علمی افراطی و اعتدالی، اهم مباحث این نوشتار است.

## مفهوم تفسیر علمی

در تعریف تفسیر علمی، مطالب مختلفی گفته‌اند که منشاء این اختلاف به مبنای موافقان و مخالفان این شیوه بر می‌گردد؛ به عنوان نمونه:





در مورد میزان آیات تفسیر شده توسط رسول خدا (ص) سه قول وجود دارد. ابن تیمیه معتقد است آن حضرت همه آیات را تفسیر کرده و دلیل نقلی و عقلی بر این مدعا آورده است (۱۰). طبری معتقد است آن حضرت آیات بسیار اندک و محدودی را تفسیر کرده است (۱۱). دیدگاه سوم که صحیح‌تر به نظر می‌رسد حدّ وسطی را پیموده و معتقد است رسول خدا بخش زیادی از آیات را که نیازمند تبیین و توضیح بوده، تفسیر کرده است اما حضرت همه قرآن را تفسیر نکرده است. جلال‌الدین سیوطی مقدار زیادی از این روایات تفسیری را در پایان اتقان جمع کرده است.

با توجه به این که مردم آن زمان از علم و دانش به ویژه علوم طبیعی و تجربی بهره‌ای نداشتند و غرق در اعتقادات موهوم، بت‌پرستی، شرک، فساد و اختلاف و نزاع بودند، زمینه‌ای برای شرح و تفسیر علمی آیات نبود، از طرفی، علوم تجربی و طبیعی در آن دوران رشدی نیافته و اطلاعات خواص نیز از آن بسیار اندک بوده از این رو دعوت قرآن از صاحبان اندیشه برای تامل و روشنگری در آیات در حدّ بسیار ابتدایی پاسخ داده شد. پس از رحلت آن حضرت نیز وضعیت به همین شکل بود و اصحاب پیامبر به تفسیر ساده و ابتدایی اکتفا می‌کردند. به این ترتیب تفسیر علمی در عهد رسول خدا و اصحاب رواج نداشت و ردپایی از آن نمی‌توان یافت. گرچه برخی با استفاده از این کلام عبدا... بن مسعود که می‌گفت «من از علم‌الاولین و الاخرین فلیتوّر القرآن»؛ «هر کس علم اولین و آخرین را می‌خواهد باید در قرآن بجوید» (۱۲) گفته‌اند او اشاره به تفسیر علمی دارد اما چنین مطلبی معلوم نیست.

هم‌چنین در کلمات اهل بیت و امامان معصوم (ع) نشانه‌ای مبنی بر این که آن بزرگواران به تفسیر علمی پرداخته باشند، به چشم نمی‌خورد، مگر بسیار اندک. به عنوان نمونه در تفسیر آیه شریفه (فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ اِنَّا لَقَادِرُونَ) [سوره معارج آیه ۴۰]؛ «به پروردگار شرق و غرب سوگند که ما می‌توانیم» حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لَهَا ثَلَاثُمِائَةٌ وَ سِتُونَ مَشْرِقًا وَ ثَلَاثُمِائَةٌ وَ سِتُونَ مَغْرِبًا...» «زمین ۳۶۰ مشرق و ۳۶۰ مغرب دارد.»

امام (ع) در تفسیر این آیه شریفه اشاره لطیفی به کروی بودن زمین دارند. از امام صادق (ع) نیز در مورد جامع بودن قرآن روایت شده که آن حضرت فرمود:

«لقد ولدني رسول الله (ص) و انا اعلم كتاب الله و فيه بدء الخلق و ما هو كائن الى يوم القيامة و فيه خبر السماء و خبر الارض و خبر الجنة و خبر النار و خبر ما كان و ما هو كائن، اعلم ذلك كما انظر الى كفى ان الله يقول فيه تبیان كل شيء» (۱۳).

«من زاده رسول خدایم و من قرآن را می‌دانم در حالی که بیان آغاز آفرینش و هر آنچه تا روز قیامت خواهد بود، خبر آسمان و خبر دوزخ و خبر آنچه بوده و آنچه خواهد بود در این قرآن هست، من این‌ها را چنان می‌دانم که گویا به کف دستم می‌نگرم، همانا خداوند می‌فرماید در این قرآن هر چیزی هست.»

با این وجود نمی‌توان آغاز تفسیر علمی به معنای تطبیق آیات با علوم و قوانین علمی روز را به عهد رسول خدا یا ائمه معصومان (ع) بر گرداند.

اولین نشانه‌های تفسیر علمی در میان اهل سنت در آثار ابوحماد غزالی (م ۵۰۵ ق) مشاهده می‌شود. وی در دو کتاب احیاء علوم‌الدین و جواهرالقرآن عقیده اشتغال قرآن را به همه علوم اظهار می‌دارد؛ (۱۴) اما به تفصیل متعرض تفسیر علمی آیات نشده است. پس از او می‌توان فخرالدین رازی (م ۶۰۶ ق) را مجری و پیاده‌کننده شیوه غزالی خواند اگر چه باطل بودن و بی‌پایگی برخی از نظریه‌های علمی او مانند عقیده به سکون زمین امروزه روشن شده است؛ (۱۵) بی‌گمان او یکی از معتقدان به روش تفسیر علمی در زمان خویش بوده است. عمده آرای علمی رازی در دو اثر معروفش به نام اسرارالتنزیل و انوارالتاویل و مفاتیح‌الغیب (تفسیر کبیر) آمده است. در اثر دوم مباحثی

گونگون درباره هیئت و فلک، (۱۶) آفرینش انسان و شکل‌گیری جنین، (۱۷) آفرینش حیوانات و شگفتی‌های زندگی آنان (۱۸)، عالم نباتات و رویدادهای (۱۹) تغذیه و خواص غذاها آورده است.

البته فخر رازی در همه این موارد در پی اثبات قدرت و عظمت بی‌منتهای الهی است. وی پس از ذکر هر نکته علمی با تعبیرهایی چون «انما هو بتخصیص الفاعل المختار، بالافتقار الى الصانع القدیم، لابد ان یکون بتخصیص مخصص و...» بر این مطلب تأکید کرده است. (۲۰)

پس از رازی می‌توان از ابن ابی‌الفضل مُرسی (م ۲۵۵ ق) نام برد. وی با تکلف زیاد سعی در تطبیق آیات با علوم مختلف کرده است. (۲۱) شخصیت دیگری که او را در ردیف معتقدان به تفسیر علمی آورده‌اند، ابوسعید عبدالله بن عمر بیضاوی (م ۶۹۱ ق) صاحب تفسیر انوارالتنزیل و اسرارالتاویل است که تفسیر خود را برگرفته از دو تفسیر زمخشری و رازی به رشته تحریر در آورده است (۲۲). او به شدت از دیدگاه‌های فخر رازی متأثر است. به عنوان نمونه در پایان آیه ۴۳ سوره نور بحث مفصلی را در مورد شکل‌گیری ابر و ریزش برف و باران آورده است (۲۳).

پس از بیضاوی، نظام‌الدین نیشابوری (م ۷۲۸ ق) صاحب تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان از معتقدان به تفسیر علمی است که طبق تصریح خودش، تفسیرش تلخیصی از مفاتیح‌الغیب رازی است (۲۴). بدرالدین زرکشی (م ۷۹۴ ق) صاحب کتاب البرهان فی علوم القرآن و جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) صاحب آثار متعدد در علوم قرآن و تفسیر نیز از افرادی هستند که به نوعی نظریه اشتغال قرآن بر علوم روز و تفسیر علمی را مطرح کرده‌اند.

تفسیر علمی به معنای تطبیق آیات مشتمل بر نکته‌های علمی با یافته‌های علمی جدید در آثار مفسران کهن شیعه کمتر از اهل سنت به چشم می‌خورد. نخستین تفسیر جامع و فراگیر در دسترس امامیه تفسیر التبیان شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) است. وی به طور آشکار اشاره‌ای به گرایش علمی ندارد و در مقدمه تفسیرش تصریح کرده است:

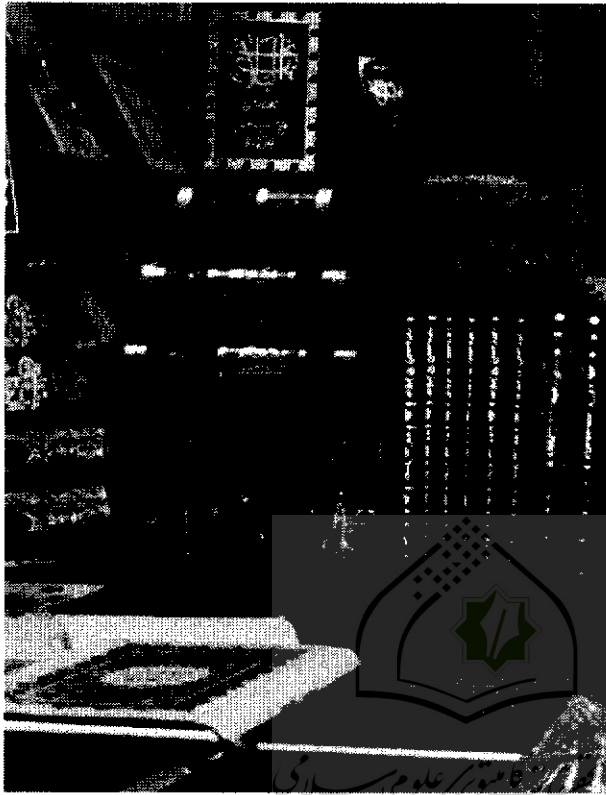
«آنچه مرا به نگارش این کتاب وا داشت این بود که من در میان اصحاب خودمان از گذشته تا کنون کسی را نیافتم که کتابی مشتمل بر تفسیر همه قرآن و فتنون و معانی آن بنویسد.» (۲۵)

با این حال، مواردی از تفسیر علمی در کتاب او مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه در پایان آیه مبارکه (الذی جعل لکم الارض فراشاً) [سوره بقره ۲] آیه ۲۲ بحث کروی بودن زمین را مطرح کرده است. (۲۶)

پس از شیخ طوسی تا قرن‌ها به طور روشن، اثری از تفسیر علمی در آثار مفسران و دانشمندان شیعی مشاهده نمی‌شود، تا قرن یازدهم که مرحوم ملاصدرا (م ۱۰۵۰ ق) در تفسیرش به نام تفسیرالقرآن العظیم که مشتمل بر بخشی از آیات قرآن است در مواردی، اشاراتی علمی دارد. وی در پایان آیه شریفه (وَالْقَمَرُ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ لَقَدِيمٍ) [سوره یس (۳) آیه ۳۹] نوشته است:

«یکی از اسرارى که انسان با مشاهده ماه و خورشید و سایر سیارات به دست می‌آورد، این است که نور همان نور خورشید است که از صفحه ماه به چشم مردم منعکس می‌شود.» (۲۷)

**بررسی سیر تدوین تفسیر علمی در آثار متاخران (شیعه و سنی)**  
هر چه زمان پیش می‌رود ابعاد عمیق‌تری از قرآن آشکار می‌شود و چهره نورانی آن برای عوام و خواص تجلی می‌کند، با افزوده شدن هر تفسیری به جرگه تفسیرهای قرآنی، افقی تازه فرا روی محققان گشوده می‌شود. قرن چهاردهم از نظر نگارش تفسیر و تحول در سبک نگارش و گسترش و تنوع شیوه‌های تفسیری سرآمد قرن‌های گذشته است. تفسیر نگاری در این دوره تفاوتی ژرف با دوره‌های قبل دارد. گسترش علوم طبیعی و تجربی و پیشرفت روزافزون اکتشافات علمی انتظارات جدیدی را از قرآن فراروی نسل حاضر



رسالت قرآن و مورد توجه قرار دادن معیارها و اصول تفسیر علمی، به شکل اعتدالی و معقول به تحقیق و تفحص درباره آیات علمی قرآن پرداختند و سعی کردند کاستی و لغزش تفسیرهای افراطی دامن آن‌ها را نگیرند. قابل ذکر است آثار و تفسیرها گرچه نسبت به کتاب‌های اهل سنت در این باره کمتر است اما از اعتدال و احتیاط بیشتری برخوردار است و اطناب و تطویل برخی مفسران چون طنطاوی را ندارد.

یکی از مفسران معاصر در این باره نوشته است:

«اگر راستی یک مسئله علمی به روشنی اثبات شده و از محیط فرضیه‌ها، قدم به جهان قوانین علمی گذارده و حتی گاهی جنبه حسی به خود گرفته است، مانند گردش زمین به دور خود یا گردش زمین به دور خورشید، یا وجود گیاهان نر و ماده و تلقیح در عالم نباتات و مانند این‌ها، و از سوی دیگر، آیاتی از قرآن هم در این مسایل صراحت داشته باشد، چرا از تطبیق این مسایل بر آیات قرآن، سرباز زنییم و از این توافق که نشانه عظمت این کتاب آسمانی است، وحشت داشته باشیم.» (۳۸)

وی در جای دیگری تصریح کرده است: «هرگز نباید انتظار داشت که قرآن مجید تمام مسایل علوم طبیعی و اسرار و خواص همه اشیا را بیان کند؛ چه این که قرآن برای این مقصود بیان نشده، قرآن یک دائرةالمعارف یا کتاب زمین‌شناسی و گیاه‌شناسی و فیزیولوژی نیست، قرآن یک کتاب تربیت و هدایت است...» (۳۹)

ذکر فهرست‌وار آثار همه مفسران و دانشمندان و اشاره به مباحث علمی آنان از حوصله این نوشتار خارج است و مقاله مستقلی را می‌طلبد.

از چهره‌های مشهور اهل سنت در تفسیر علمی می‌توان از محمدبن احمد اسکندرانی، سید احمد خان هندی، سید عبدالرحمان کواکبی، محمد عبده، جمال‌الدین قاسمی، محمد توفیق صدیقی، مصطفی صادق رافعی، طنطاوی بن جوهری، عبدالمجید بن بادیس، محمد احمد غمراوی، سعید حوی، محمد جمال‌الدین فندی، محمد متولی شعراوی، عبدالرزاق نوفل، محمد عبدالله دراز

قرار داده است، نسلی که اسلام را با امید تازه می‌نگرد، نسلی که شاهد سقوط ارکان کمونیسم و بی‌دینی و تزلزل پایه‌های دروغ مکتب‌های بشری با ایسم‌های گوناگون بوده است. این انتظار، رسالت مفسران را در دوران اخیر مهم کرده و وظیفه حساس، مقدس و سنگینی را بر عهده آنان گذارده است. مفسران آگاه و متعهد با درک این وظیفه الهی، کمر همت بسته و تحولی بنیادی و چشمگیر در شیوه‌های تفسیری خود ایجاد کردند. در این میان، گرایش علمی یعنی پرداختن به آیات قرآن از نگاه علوم تجربی و طبیعی و تلاش برای فهم بهتر آن‌ها در پرتو دستاوردهای علمی جدید مورد توجه خاص قرار گرفت. تالیف ده‌ها کتاب و تفسیر، ثمره چنین تلاش مقدسی است. البته دانشمندان و مفسران اهل سنت به ویژه دانشمندان مصری چون طنطاوی، محمد عبده و کواکبی به دلیل برخورد مستقیم با مساله و حضور در جو علمی این دوران، عکس‌العمل بیشتری از خود نشان دادند. طنطاوی با نگارش تفسیر ۲۵ جلدی خود که دائرةالمعارفی از مطالب گوناگون است این ندا را سر داد که «ای مسلمانان دو چیز کم دارید، اتحاد و علوم، اگر به این دو متصف شوید وعده الهی به جانشینی در روی زمین برای شما محقق می‌گردد.» (۲۸)

وی شان و منزلت علوم طبیعی را تا آن جا بالا برد که گفت: «این همان علم توحید است، این همان علم دین است، این همان حب خداوند است، این همان رسیدن به خداست، این همان پیشرفت ملت‌هاست و...» (۲۹)

برخی از این مفسران مانند سید احمد خان هندی با سفر به اروپا به شدت تحت تاثیر پیشرفت‌های علمی آن جا قرار گرفتند و با علم‌زدگی سعی کردند با زحمت، قرآن را کتابی در علوم روز معرفی کنند. مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی در مورد این علم‌زدگی سید احمد خان نوشته است:

«سید احمد خان شباهت تام و تمامی به فیلسوفان یا روشنفکران جدید عرصه عقل و روشنفکران قرن هیجدهم اروپا داشت که غالباً دئیست (قابل به وجود خدا، با ایمانی که تابع عقل است نه وحی و دین) بودند، به تعبیر دیگر او (اصالت عقلی و اصالت طبیعی است) (۳۰).»

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره کردیم، کتاب‌ها و آثار تدوین یافته در تفسیر علمی قرآن اعم از تفسیرهای کامل و ناقص و کتاب‌های غیر تفسیری یکسان نیست. برخی در این مسیر افراط کردند و به کلی خود را در برابر پیشرفت‌های علمی باختند و با فرغ قرار دادن قرآن، و اصل قرار دادن یافته‌های علمی و مطلق‌انگاری و پایدار شمردن دریافتهای تجربی در برابر آن منفعل، و دچار لغزشی بزرگ در این ناحیه شدند. آنان سعی کردند کلید هر مشکلی را در قرآن بیابند.

عقلی فکری، که یکی از معتقدان افراطی به تفسیر علمی است، از یکی از دانشمندان که همین نگرش را دارد نقل کرده است که از او سؤال شد اگر همه چیز در قرآن است، حکم هتل‌ها و مسافرخانه‌ها در کجای قرآن یافت می‌شود. وی پاسخ داد در آیه: (لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ) [سوره نور (۲۴) آیه ۲۹]

مؤارد این چنین زیاد است. به عنوان نمونه می‌توان از تفسیر "حافظ" در آیه شریفه: (انْ كُلْْ نَفْسٍ لِمَا عَلَيْهَا حَافِظٌ) [سوره طارق (۸۸) آیه ۴۰] به سیستم دفاعی بدن (۳۱)؛ تفسیر آیه (لَتُرَكَّبْنَ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ) [سوره انشقاق (۸۴) آیه ۱۹] به ایستگاه‌های فضایی جدید؛ تفسیر آیه ۳۳ سوره رحمان به ماهواره‌های جنگی در قرآن (۳۲)، سفر به سایر کرات و درگیری با ساکنان آن‌جا (۳۳)؛ تفسیر در آیه (طِيرًا أَبَابِيلٍ) [سوره قیل (۱۰۵) آیه ۳] به حشره حامل میکروب بیماری (۳۴)؛ تفسیر "انتقال" در آیه (وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا...) [سوره زلزله (۹۹) آیه ۲] به استخراج نفت و گاز از معادن (۳۵)؛ تفسیر حروف مقطعه به علوم دینی، ریاضی، طبیعی و نجوم و همه علوم موجود (۳۶)؛ استخراج علوم طبی از قرآن و یافتن درمان چهار نوع سرطان از آیات وحی (۳۷) و مانند آن نام برد.

عده زیادی از مفسران و محققان نیز در این عرصه با در نظر گرفتن



و... نام برد.

هم چنین از دانشمندان شیعه می توان از محمد جواد بلاغی، سید محمود طالقانی، محمد حسین طباطبایی، محمد تقی شریعتی، ناصر مکارم شیرازی، مهدی بازرگان، یدالله نیازمند شیرازی، محمد صادقی، سیدرضا پاک نژاد، ناصر دهان نامی به میان آورد.

### مخالفتان تفسیر علمی و دلیل های آنان

برخی بر این باورند که تفسیر علمی آیات قرآن به کلی غلط بوده و نوعی تکلف بیهوده بیش نیست. آنان در مقام دفاع از رسالت هدایت قرآن بر آمده و فرجام چنین حرکتی را تفسیر به رای و تابعیت قرآن از سایر علوم خوانده اند. ابواسحاق شاطبی (م ۷۹۰ ق)، محمد شلتوت (م ۱۹۶۴ م)، امین خولی (م ۱۹۵۶ م)، عباس عقاد (م ۱۹۶۴ م)، محمد حسین ذهبی، سید قطب صبحی صالح، محمد عزه دروزه، محمد عبدالعظیم زرقانی، عایشه بنت الشاطی از مشهورترین چهره های عرصه مخالفت با تفسیر علمی هستند.

با بررسی دلیل های مخالفتان این نکته به دست می آید که لیه تیز مخالفت آنان متوجه جریان زیاده روی در تفسیر علمی و نادیده گرفتن اصول و معیارهای تفسیری است، به عنوان نمونه ابواسحاق شاطبی نوشته است:

«این که بخواهیم آیات قرآن را با علم هیات و نجوم و هندسه و طبیعی و فلسفه تفسیر کنیم، تکلف است و اعراب آمی که قرآن بر ایشان نازل شده از این علوم چیزی نمی دانستند و اسلام دین سهل و سبب است.» (۴۰)

هم چنین محمد شلتوت پس از بحث درباره اقسام تفسیر علمی، اشتباه های این روش را در سه بخش چنین ذکر کرده است:

«این نظریه بدون تردید، خطاست؛ زیرا خداوند قرآن را نازل نکرده تا کتابی در نظریه های علمی و دقایق فنون و انواع معارف بشری باشد، این نظریه خطاست؛ زیرا پیروان آن را به تاویل همراه با تکلف در قرآن وا می دارد. تاویلی که با اعجاز قرآن منافات دارد و ذوق سلیم آن را نمی پسندد. این نظریه خطاست؛ زیرا قرآن را در معرض حرکت و همگامی با علوم در هر عصر و زمانی قرار می دهد، در حالی که علوم ثابت و قرار ندارد...» (۴۱)

شبهه همین مطالب را محمد حسین ذهبی آورده است (۴۲).

به طور خلاصه دلیل های مخالفتان در محورهای زیر قابل ذکر است:

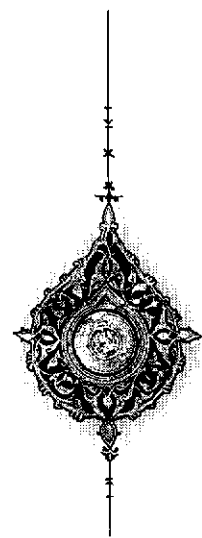
۱. اهداف از نزول قرآن هدایت و تربیت است نه بیان مباحث علمی روز؛
  ۲. یافته های علمی تغییر پذیر هستند؛
  ۳. مخاطبان قرآن در عصر نزول، اطلاعات علمی نداشتند؛
  ۴. تفسیر علمی، عامل تاویل گرای و تفسیر به رای است؛
  ۵. تفسیر علمی، قرآن را تابع علوم قرار می دهد همان طور که متذکر شدیم اغلب یا همه این دلیل ها، متوجه تفسیرهای علمی افراطی است که یک سره لگام فرضیه ها و نظریه های علمی را وا داده اند و سعی در حمل آیات بر آن یافته ها و فرضیه ها کرده اند.
- معقدان به تفسیر علمی اعتدالی، چنین اعتقادی ندارند و با دوراندیشی و احتیاط امکان تطابق آیات را با یافته های علمی مسلم و قطعی مورد بررسی قرار می دهند.

محمد مصطفی مراغی در این مورد نوشته است:

«لازم است آیه را بر علوم جاری نکنیم و علوم را نیز بر آیه تحمیل نکنیم، اما اگر در ظاهر آیه ای با حقیقت علمی ثابت متفق بود، آن را تفسیر کنیم... من نمی گویم قرآن کریم مشتمل بر کلیات و جزئیات همه علوم است، بلکه می خواهم بگویم قرآن اصول عامی را آورده که انسان با شناخت آن به کمال حسی و روحی می رسد.» (۴۳)

### شرایط و اصول تفسیر علمی صحیح و اعتدالی

تفسیر علمی، روشی تفسیری است که می تواند مانند سایر شیوه ها اگر به



### رعایت شرایط و قوانین عمومی تفسیر

تردیدی نیست که هر متن دینی و علمی، اصول و اصطلاحات و زبان خاص خود را دارد که باید با در نظر گرفتن آن اصول و شرایط به اظهار نظر در آن رشته علمی و دینی پرداخت. در مورد تعداد علوم مورد نیاز در تفسیر قرآن، مطالب مختلفی بیان شده است. سیوطی ۱۵ علم را ذکر کرده است که مفسر باید از آن ها آگاهی داشته باشد. این علوم عبارتند از:

۱. علم لغت؛ ۲. نحو؛ ۳. صرف؛ ۴. اشتقاق؛ ۵. معانی؛ ۶. بیان؛ ۷. بدیع؛ ۸. قراءات؛ ۹. اصول دین؛ ۱۰. اصول فقه؛ ۱۱. اسباب نزول؛ ۱۲. ناسخ و منسوخ؛ ۱۳. فقه؛ ۱۴. احادیث صحیحه؛ ۱۵. موهبت (آنچه خدا به انسان های عامل به علم می بخشد) (۴۴).

دکتر علی صغیر، آداب تفسیر را به سه بخش آداب موضوعی، نفسی و فنی تقسیم کرده است و در بخش آداب نفسی چهار شرط صحت اعتقاد، اخلاص و تفویض و تدبیر و تفکر، و علم موهبت را آورده است. (۴۵)

عبدالعظیم زرقانی در مناهل العرفان دستورالعملی را در مورد تفسیر و ترجمه قرآن از بیانیه (لجنة تفسیر علماء الازهر) آورده است که شایسته دقت نظر و توجه است. این دستورالعمل دارای ۱۱ اصل است.

۱. تفسیر باید تا حد ممکن از اصطلاحات و مباحث علمی به دور باشد، مگر آن مقدار که فهم آیه مورد تفسیر به آن نیاز دارد؛
۲. نباید در تفسیر قرآن به نظرات و فرضیه های علمی پرداخت و مسائلی چون تبیین علمی رعد و برق و یا نجوم را مورد بحث قرار داد؛
۳. اگر در مواردی ضروری، نیازی به بحث های علمی بود، ناگزیر باید به طور جداگانه در حاشیه تفسیر بیان کرد؛

۴. در تفسیر قرآن از نقل و نقد و اثبات عقاید مذهبی به طور جدی باید پرهیز شود و به دیدگاه های کلامی توجهی مبذول نشود و برای تفسیر آیات، معجزات و همانند آن به محمل های نادرست و توجیه تراشی متوسل شوند؛

۵. تفسیر تنها بر اساس قرائت حفص انجام گیرد و به قراءات دیگر توجه نشود؛

۶. برای ایجاد ارتباط بین سوره و آیات، به تکلفات و وجه تراشی متوسل نشوند؛

۷. در ذکر اسباب نزول به موارد ثابت شده و قطعی استناد نکنند.
۸. به هنگام تفسیر، ابتدا آیه به طور کامل ذکر شود و سپس مفردات آن و آن گاه به تفسیر مجموع آیه یا آیات با عبارت های رسا و از نظر ادبی متین، پرداخته شود و به دنبال آن، اسباب نزول و ارتباط سوره با آیات ذکر شود؛
۹. جز در مواردی که امکان جمع بین آیات نیست، از منسوخ دانستن آیات خودداری شود؛

۱۰. در اوایل هر سوره، مشخصات آن ذکر، و مکی یا مدنی بودن آن مشخص، و مفاد کلی سوره بیان شود. هم چنین به آیات مکی در سوره مدنی آیات مدنی در سوره مکی اشاره شود؛

۱۱. تفسیر قرآن باید دارای مقدمه ای شامل معرفی قرآن و روش آن در بیان مقاصدش باشد. مانند دعوت، تشریح، قصص، جدل و همانند آن. هم چنین در این مقدمه شیوه تفسیری و مبنای آن شرح داده شود (۴۶).

برخی دیگر شرایط تفسیر را چنین شمرده اند:

۱. مفسر، قرآن را راهنما، استاد و مرشد خود قرار دهد؛
۲. مسلک و مرام خود را در تفسیر دخالت ندهد و از سلیقه های شخصی



بهریزد:

۳. مفسر، اخلاص تام و کامل داشته باشد؛ یعنی جز از خدا چیزی نخواهد و تنها رضایت او را ملاک قرار دهد؛
۴. قرآن را مطابق نیاز عصر تفسیر کند؛
۵. مفسر با دلیل‌های قوی و محکم، حقایق قرآنی را بیان کند؛
۶. روش او بلیغ و نافذ باشد به شکلی که عقل و قلب و روح و وجدان را نوزانی کند؛
۷. از غرور، عجب خودپسندی و فخرفروشی بهره‌یزد، که مانع درک حقیقت است؛
۸. از سنت رسول خدا پیروی کند و عامل بر طبق آن باشد، دارای تقوای عظیم، زهد، اخلاص، صداقت، وفا، و در یک کلام، اهل عبادت خالصانه باشد؛
۹. تحت تاثیر جریان‌ها قرار نگیرد و بلاها او را سست نکند (۴۷).  
دکتر رمضان بوطی چهار شرط برای تفسیر ذکر کرده است:
  ۱. تفسیر مطابق دلیل‌های لغت عربی و قواعد آن باشد؛
  ۲. تناقض و تعارض یا هیچ یک از آیات دیگر قرآن پیدا نکند؛
  ۳. مطابق قواعد تفسیر که مورد اتفاق است باشد، مانند احکام عام و خاص، اطلاق و تقیید و منطوق و مفهوم؛
  ۴. تفسیر یا نص حدیث نبوی صحیح، تعارض پیدا نکند (۴۸).

#### توجه به شان و جایگاه قرآن

قرآن مجید، معجزه شگفت و جاودان الهی است که هیچ کتاب و اثری به پای آن نمی‌رسد. هر چه در بحر عمیق و ژرفای بی‌پایانش غور کنیم بیشتر به ناتوانی خود و عظمت آورنده آن پی می‌بریم.

کنت گریک استاد دانشگاه کمبریج انگلستان نوشته است:

«من مسلمان نیستم تا بگویم قرآن، کلام خداست، ولی در مدت چهارده قرن که از آمدن قرآن می‌گذرد، هیچ کس نتوانسته است از زبان عربی کلامی بی‌آورد که با قرآن برابری کنند.» (۴۹)

این کلام الهی و معجزه بی‌همتا، برای ارائه برنامه‌هایی برای بشر آمده که در پرتو آن برنامه‌ها، زندگی کاملی داشته باشد. قرآن در جایگاه بیان علوم بشری نیست، که انسان‌ها با خرد و عقل خویش به آن دست می‌یابند. خداوند به انسان خرد ارزانی داشته و قدرت پی بردن به حقایق هستی را به او داده است. اما این که خدا بخواید در قالب وحی و آیات قرآنی، همه دانش‌های بشری را در اختیار انسان قرار دهد و او را بی‌نیاز کند به شکلی که بشر هر چه خواست از سرفه وحی بیاید، نه تنها شانی برای شارع نیست بلکه با فلسفه فرینش انسان منافات دارد. خداوند اراده کرده است انسان‌ها خود با تلاش و عقل و تدبیر به قوانین و اصول علمی دست یابند و به کمک آن قوانین شرایط زندگی خود را آسان کنند، اگر در موردی هم شارع در مسایلی غیر شرعی و مطالب علمی بشری وارد شده برای اهداف دیگری است که از جمله این اهداف پی بردن به عظمت و قدرت خالق و آفریننده این آثار است.

(اولم یتفکروا فی انفسهم ما خلق الله السموات والارض و ما بینهما الا الحق و اجل مسمى و ان کثیراً من الناس بلقاء ربهم لکافرون) [سوره روم (۳۰) آیه ۸]

«آیا در خودشان به تفکر نپرداخته‌اند؟ خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است و جز به حق و تا هنگامی معین نیافریده است، و [یا این همه] بسیاری از مردم لقای پروردگارش را سخت منکرند.»

قرآن مجید طی چندین آیه به بیان جایگاه و هدف نزول خویش پرداخته فرموده است:

(ما انزلنا علیک الكتاب الا لتبیین لهم الذی اختلفوا فیه و هدی و حمه‌لقوم یؤمنون) [سوره نحل (۱۶) آیه ۴۴].

«ما این کتاب را بر تو نازل نکردیم، مگر برای این که آنچه را در آن

اختلاف کرده‌اند برای آنان توضیح دهی، و [آن] برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.»

(و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شی و هدی و رحمة و بشری للمسلمین) [سوره نحل (۱۶) آیه ۸۹]

«این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم.»

مقصود از تبیان بودن قرآن برای همه چیز، تبیان همه امور دین و دنیا نیست بلکه غرض کلیه لوازمی است که در هدایت و ارشاد مسلمانان به کار می‌آید، یعنی همه چیزهایی که قرآن بدان مربوط است.

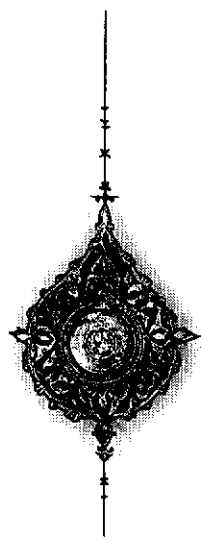
با توجه به آنچه گفتیم، قرآن، کتاب هدایت، موعظه، ارشاد و تربیت است و برای رسیدن به این هدف، از همه راه‌های مفید بهره جسته است. در طرح مباحث عقیدتی و اخلاقی، گاه به یک سلسله مسائل طبیعی و هستی‌شناسانه نیز اشاره کرده است، اما نه به قصد تبیین مسایل علمی و تجربی یا شرح قوانین بشری، بلکه به منظور پی بردن به عظمت، رحمت، حکمت و قدرت الهی و در نهایت تسلیم و خضوع و تشکر در برابر خالق هستی. از این رو، یکی از اصولی که هر مفسر باید مد نظر داشته باشد، توجه به این جایگاه بلند قرآن است. یعنی اصل قرار دادن این شان و هدف، فرع قرار گرفتن اشارات علمی، نه این که با فراموش کردن رسالت قرآن، هر آیه متضمن مباحث علمی را تفسیر کرده و هدف نزول آن آیه با آیات را بیان همین قوانین علمی بدانند؛ زیرا خداوند از زاویه هدایت به مباحث علمی نگریسته و این مطالب را به مقداری آورده که کاربرد هدایتی داشته باشد، اگر می‌خواست از زاویه حل یک مشکل علمی بنگرد، جامع‌تر و کامل‌تر از این بیان می‌کرد و وارد جزئیات می‌شد.

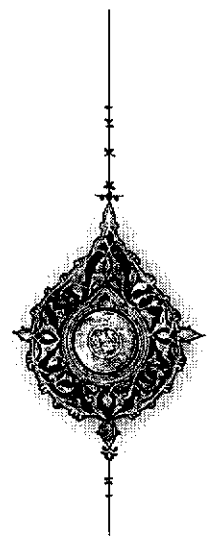
#### تکیه بر قوانین علمی قطعی، نه فرضیه‌ها و نظریه‌های حدسی ظنی

در استناد به قوانین علمی و یافته‌های جدید باید مواظب بود، فرضیه‌هایی که هنوز برای دانشمندان علوم طبیعی و تجربی ثابت نشده و آنان در مورد آن به یقین نرسیده‌اند بر آیات قرآن تحمیل نشود؛ زیرا در این صورت راه تفسیر رای گشوده می‌شود و به تاویلات ناروا می‌انجامد. هیچ اشکالی ندارد که قرآن با اهداف تربیتی و هدایتی، به برخی قوانین علمی به صورت کلی اشاراتی داشته باشد. اما این بدان معنا نیست که ریشه همه علوم و تمام ابعاد فرآورده‌های بشری را از قرآن جویا شویم و با اندک ارتباطی هر آیه را به یکی از علوم بشری نسبت دهیم. اساساً این کار نه تنها شانی برای قرآن محسوب نمی‌شود، بلکه کاستن از جایگاه آن است، انطباق بین آیاتی که متضمن برخی اشارات علمی است و قوانین علمی که دانشمندان علوم تجربی در مورد آن به یقین رسیده‌اند و با تجربه و آزمایش آن را اثبات کرده‌اند، مانعی ندارد و مبین عظمت کتاب الهی است.

شیخ مصطفی غلابینی، ارتباط بین امور قطعی و امور ظنی را در دائرة دین و علم، به اشکال زیر تقسیم کرده است:

۱. به آنچه در علم و دین قطعی است، ایمان می‌آوریم؛
۲. آنچه در علم و دین ظنی است، برخی ظنی در دین را می‌گیرند و برخی به ظنی در علم تمسک می‌کنند؛
۳. آنچه در علم قطعی است اما در دین ظنی است به اولی ایمان می‌آوریم و دومی را تاویل می‌کنیم؛
۴. در برابر آنچه در علم ظنی است اما دین از آن ساکت است، تسلیم می‌شویم؛
۵. به آنچه در دین قطعی است اما در علم ثابت نیست، ایمان صادقانه می‌آوریم، اگر چه علم آن را ثابت نکند؛
۶. ما به قطعی بودن آنچه در دین قطعی است اما در علم ظنی است، یقین داریم (۵۰). اصولاً قضایای علمی که به طور تئوری یا نظریه ظنی است و هنوز محل بحث و ایراد است باید از دایره تفسیر علمی کنار زده شود، یا به





طور احتمال و حدس مطرح می‌شود، در غیر این صورت، همان اشکاتی را بوجود می‌آورد که مخالفان تفسیرهای علمی در دلیل‌های رد خود، مطرح کرده‌اند.

### رعایت هماهنگی و انسجام آیات

یکی از وجوه اعجاز قرآن هماهنگی و تلائم بین آیات آن است. هیچ اختلاف و تضاد و تناقضی بین آیات قرآن نیست با فرض اینکه در شرایط مختلف و طی بیش از دو دهه بر رسول خدا به تدریج نازل شده است. قرآن مجید می‌فرماید:

(فلا یتدبرون القرآن و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً) (سوره نساء (۴) آیه ۸۲)

«آیا در معانی قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود به یقین در آن اختلاف بسیاری می‌یافتید»

قرآن مجید یکی از دلیل‌های اعجاز خود را، راه نیافتن دست بشری به آن و عدم اختلاف و تناقض در آن می‌خواند.

تفسیر علمی باید با احاطه کامل بر آیات قرآن و اطلاع وافی از قانون علمی باشد تا به محض تصور مطابقت آیه‌ای با قانون علمی، حمل بر آن نشود، آنگاه با سیاق سایر آیات نسازد. به عنوان نمونه در مورد آفرینش انسان در ۷ سوره قرآن، طی ده‌ها آیه سخن به میان آمده است. این سوره‌ها به ترتیب نزول عبارتند از: (۵۱)

- ۱- سوره ص (۳۸) آیات ۶۹ - ۸۵.
- ۲- سوره اعراف (۷) آیات ۱۱ - ۲۵.
- ۳- سوره طه (۲۰) آیات ۱۱۵ - ۱۲۳.
- ۴- سوره اسراء (۱۷) آیات ۶۱ - ۶۵.
- ۵- سوره حجر (۱۵) آیات ۲۶ - ۴۳.
- ۶- سوره کهف (۱۸) آیه ۵۰.
- ۷- سوره بقره (۲) آیات ۳۰ - ۳۸.

برخی با تمسک به بعضی آیات، نظریه تکامل داروین را نتیجه گرفته‌اند. (۵۲)

عده‌ای دیگر با تمسک به بعضی آیات دیگر، این نظریه را مردود شمرده‌اند و معتقدند قبل از حضرت آدم، نسل منقرض شده است (۵۳). و برای پرهیز از تناقض در آیات، باید ارتباط همه آیات به‌طور موضوعی سنجیده شود. آن‌گاه طبق داده‌های قطعی علمی تفسیر شود.

### عدم تعارض با حقایق و مضامین قطعی شرعی

علم و دین دو بال پیشرفت بشرند و هیچ تعارضی با هم ندارند، علم در بستر دین، تقدس و ارزش می‌یابد و دین در پرتو علوم شکوفا می‌شود. اما باید توجه داشت علم و عقل بشری به حرم همه معارف و حقایق دینی راه ندارد، شرع مقدس اسلام، یک سلسله حقایق، احکام و معارف قطعی و تغییر ناپذیری دارد که با پیشرفت علم و گذشت زمان، تغییر نمی‌کند. اعم از اینکه علم به فلسفه و راز آن پی ببرد یا نبرد. به عنوان نمونه: گوشت خوک در اسلام حرام است. حال اگر علم روز ده‌ها فایده برای آن بشمرد و هیچ ضرر و فساد را بر خوردن آن مرتب نبیند، باز هم حرام خواهد بود. یا حیوانی که بدون شرایط ذبح شده (مثلاً پشت به قبله یا بدون بسم الله) از نظر علمی با حیوانی که با شرایط شرعی ذبح شده یکی است اما از نظر اسلام، اولی حرام و دومی حلال است. باید توجه داشت در تفسیر علمی، امور تعبدی و ثواب شرعی مورد خدشه واقع نشود و مطلبی بر خلاف نص قرآن یا روایت و سنت بیان نشود.

### ارتباط بین قانون علمی و آیه مورد نظر

از شرایط مهم در تفسیر علمی مقبول این است که آیه مورد بحث، با

قانون علمی عرضه شده مرتبط بوده و بر آن دلالت کند و این مستلزم اطلاع کامل از تفسیر قرآن و آگاهی وافی از آن قانون علمی است.

این که به هر مناسبتی یا بدون هیچ ارتباطی تنها با یک اشاره سطحی و کنایی، آیه‌ای را حمل بر یک قانون علمی کنیم، صحیح نیست. چنان که ابوالفضل مرسی علوم مختلف را بدون کمترین ارتباطی به قرآن نسبت داده است. به عنوان نمونه شیشه گری به آیه (المصباح فی زجاجه) [سوره نور (۲۴) آیه ۳۵]: «چراغ در شیشه‌ای است» نانوایی به آیه (احمل فوق راسی خبزاً) [سوره یوسف (۱۲) آیه ۴۱]: «نان بر سر خود حمل می‌کنم»؛ پارچه بافی به آیه (کمثل العنکبوت اتخذت بیثاً) [سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۴۱]: «همانند عنکبوت که خانه‌ای ساخت». ۵۴

چنین برداشتی از آیات قرآن با تکلف و زحمت، نه تنها جایز نیست، بلکه ممنوع بوده و موجب تفسیر به رای می‌شود. زیرا آیه هیچ اشاره صریح، ضمنی یا التزامی به این موضوع ندارد.

### نتیجه

شیوه تفسیر علمی به معنای، تطبیق بین آیات قرآن و یافته‌های علمی روز از قدمت تاریخی و سابقه‌ای کهن برخوردار است، و مورد توجه محققان و پژوهشگران اسلامی به ویژه دانشمندان علوم طبیعی واقع شده است.

ما در این نوشتار، نگاهی گذرا بر سیر تاریخی این تلاش و توجه داشتیم و سعی کردیم در پرتو هدایت قرآن و روایات، این گرایش تفسیری را مورد بحث قرار دهیم. نتیجه این تحقیق به‌طور خلاصه عبارت است از:

۱- قرآن کریم، کتاب هدایت، تربیت و تزکیه نفوس است و هدف از نزول آن، رهبری بشر به سوی خدا و رستخیز و سوق دادن انسان به فضایل اخلاقی و سجایای انسانی است؛

۲- قرآن، کتاب علم روز نیست و برای آموزش علوم و فنون زندگی که بشر به نیروی تفکر می‌تواند به آنها دست یابد نازل نشده است. از این رو، هرگز نباید از آن انتظار ورود به جزئیات علوم و توقع استخراج همه قوانین علمی را داشت؛

۳- بی‌گمان خدای تعالی در کرسی تشریح و رهبری بشر به مبدء و معاد و در ضمن معرفی قدرت بی‌انتهای خویش پرده از روی یک سلسله اسرار علمی برداشته که بشر در پرتو کشفیات جدید، به آن رسیده است؛

۴- اشاره مختصر قرآن به پدیده‌های هستی علوم مختلف در راستای هدف نزول، یعنی هدایت بشر، و به منظور تدبیر و ژرف‌نگری بیشتر انسانها است نه آنکه مقصود اصلی و اولیه باشد؛

۵- هیچ تعارضی میان قوانین مسلم علمی و حقایق قرآن نیست، تعارض و ناهماهنگی احتمالی در نظر برخی محققان، حاصل عدم درک صحیح آیات یا قطعی نبودن آن کشف علمی است؛

۶- در تطبیق آیات قرآن بر اکتشافات علمی عصر حاضر (تفسیر علمی)، برخی راه افراط را پیموده‌اند، عده‌ای نیز یکسره نقش قرآن را در بیان پدیده‌های هستی و علمی نادیده گرفته‌اند، هر دو گروه بر خطا رفته‌اند و تنها افرادی بر صواب‌اند، که با احتیاط و اعتدال و رعایت مبانی و اصول تفسیر علمی مقبول به این کار اقدام کرده‌اند؛

۷- تحمیل نظریه‌ها، فرضیات و کشفیات علمی غیر قطعی، آشکارترین لغزش حرکت افراطی در تفسیر علمی قرآن است؛

۸- تفسیر علمی، ریشه در قرون گذشته دارد و از سابقه کهن و قدمت تاریخی برخوردار است. اما اوج این گرایش از خصایص قرن چهاردهم است. که از نظر کمی و کیفی شتاب بیشتری پیدا کرده است؛

۹- تفسیر علمی قرآن مانند هر شیوه تفسیری دیگری، دارای شرایط و اصولی است که عدم رعایت آنها مفسر را در ورطه سقوط و لغزش قرار می‌دهد. و بیشتر دلیل مخالفان تفسیر علمی، متوجه تفسیرهای افراطی است که این

شرایط را زیر پا گذاشته‌اند؛

۱۰ - تفسیر علمی در میان دانشمندان اهل سنت، مورد توجه بیشتری واقع شده و زیاده روی در آثار آنان بیشتر مشاهده می‌شود، اما گرایش علمی در تفسیرهای شیعه با احتیاط و اعتدال بیشتری همراه بوده است.

#### منابع و پی‌نوشت‌ها

۱. عبدالسلام عبدالمجید محتسب: اتجاهات التفسیر فی العصر الراهن، مكتبة النهضة الإسلامية، اردن ۲، ۱۴ ق، ص ۲۴۷.
۲. ر.ک: محمد حسین ذهبی: التفسیر و المفسرون، دارالقلم، بیروت، ط ۱، بی تا، ج ۲، ص ۵۱۹.
۳. بکری شیخ امین: التفسیر الفنی فی القرآن، دارالشروق، بیروت، ۱۹۹۱ م، ط ۱، ص ۱۲۵.
۴. احمد عمر ابوججر: التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، دار قتب، بیروت، ۱۹۹۱ م، ط ۱، ص ۶۶.
۵. ر.ک: حافظ محمد ابراهیم: الاشارات العلمية فی القرآن الکریم، مكتبة غریب، قاهره، ص ۱۷۹.
۶. ر.ک: محمد صباغ: لمعات فی علوم القرآن، مكتب الاسلامی، بیروت، ۱۳۹۴ م، ط ۳.
۷. فهدین عبدالرحمان رومی: اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، ج ۲، ص ۵۴۹.
۸. ر.ک: سورة اسراء، آیه ۱۰۶ و سورة نحل، آیه ۴۴.
۹. ر.ک: محمد حسین ذهبی: پیشین، ج ۱، ص ۵۳.
۱۰. ابن تیمیة: مقدمة فی اصول التفسیر، دارالقرآن الکریم، بیروت، ۱۹۷۱ م، ط ۱، ص ۶۲.
۱۱. محمدین جریر طبری، جامع البیان عن تاویل آی القرآن، دارالکتاب العلمیة، بیروت، ۱۹۶۲ م، ط ۱، ج ۱، ص ۶۲.
۱۲. بدرالدین زرکشی: البرهان فی علوم القرآن، دارالمعرفة، بیروت، ط ۲، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۴.
۱۳. محمد بن یعقوب کلینی: الاصول من الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ج ۱، ص ۱۰۱.
۱۴. ر.ک: غزالی: احیاء علوم الدین، دارالفکر، بیروت، ج ۱، ص ۳۴۱ و نیز جواهر القرآن، دمشق، المركز العربی للکتاب، بی تا، ص ۸.
۱۵. ر.ک: فخر رازی، التفسیر الکبیر، مكتب الاعلام الاسلامی، قم، ج ۱، ص ۲۲۵.
۱۶. ر.ک: همان، ج ۴، ص ۲۰۳، ج ۲، ص ۱۰۳، ج ۱۳، ص ۱۰۵، ج ۲۰، ص ۸، ج ۱۷، ص ۳۳۳.
۱۷. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۲۳۱، ج ۲۰، ص ۷۴.
۱۸. ر.ک: همان، ج ۲۰، ص ۶۹، ۷۰.
۱۹. ر.ک: همان، ج ۱۳، ص ۹۰، ۹۲.
۲۰. همان، ج ۱۳، ص ۹۵.
۲۱. ر.ک: جلال الدین سیوطی: معترك الاقرآن فی اعجاز القرآن، دارالکتاب العلمیة، بیروت، ۱۹۸۸ م، ط ۱، ص ۱۳.
۲۲. ر.ک: عبدالسلام عبدالمجید محتسب: پیشین، ص ۲۰۳.
۲۳. ر.ک: بیضاوی: انوار التنزیل و اسرار التاویل، دار صادر، بیروت، بی تا، ج ۴، ص ۸۳.
۲۴. ر.ک: نظام الدین نیشابوری: غرائب القرآن و رغائب الفرقان، دارالکتاب العلمیة، بیروت، ۱۹۶۶ م، ج ۱، ص ۳.
۲۵. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۱.
۲۶. همان، ص ۱۰۲.

۲۷. ملاصدرا: تفسیر القرآن العظیم، بی تا، ج ۵، ص ۱۲.
۲۸. طنطاوی: الجواهر فی تفسیر القرآن، دارالفکر، بیروت، ج ۱، ص ۳.
۲۹. همان، ج ۱۷، ص ۱۷.
۳۰. بهاء الدین خرمشاهی: تفسیر و تفاسیر جدید، سازمان انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۴ ش، ص ۵۹.
۳۱. ر.ک: عدنان شریف: من علم الطب القرآن، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۱ م، ط ۱، ص ۲۳۶.
۳۲. ر.ک: یوسف مروه: العلوم الطبیعیة فی القرآن، منشورات مروة العلمیة، ۱۳۷۸ ق، ۱۹۶۸ م، ط ۱، ص ۱۶۸.
۳۳. ر.ک: مصطفی زمانی: پیشگوی‌های علمی قرآن، انتشارات پیام اسلامی، قم، بی تا، ص ۲۴.
۳۴. ر.ک: محمد عبده: تفسیر جزء عم، دار مكتبة الهمال، بیروت، ۱۹۸۵ م، ص ۱۶۱.
۳۵. ر.ک: احمد عمر ابو حجر: پیشین، ص ۴۴۶.
۳۶. ر.ک: طنطاوی: پیشین، ج ۱۰، ص ۶۵، ۶۶.
۳۷. ر.ک: سید جمیلی: الاعجاز الطبی فی القرآن، مكتبة الهمال، بیروت، ۱۹۸۷ م، ص ۱۴۵.
۳۸. ناصر مکارم شیرازی: قرآن و آخرین پیامبر، دارالکتاب الاسلامیة، تهران، بی تا، ص ۱۴۷.
۳۹. همو: پیام قرآن، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۷۳ ش، ج ۸، ص ۱۴۳.
۴۰. ابواسحاق شاطبی: الموافقات فی اصول الاحکام، چاپ مصطفی محمد، بی تا، ج ۱، ص ۵۱.
۴۱. مجد شلتوت: تفسیر القرآن الکریم، دارالشروق، بیرون، ۱۹۹۸ م، ط ۱، ص ۱۲.
۴۲. ر.ک: محمد حسین ذهبی: پیشین، ج ۲، ص ۵۷۳.
۴۳. ر.ک: عبدالرزاق نوفل: الاسلام و الطب الحدیث، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۳۹۳ ق، ص ۳.
۴۴. جلال الدین سیوطی: الاتقان فی علوم القرآن، دارالکتاب العلمیة، بیروت، ۱۹۸۷ م، ط ۱، ج ۲، ص ۳۹۷.
۴۵. ر.ک: محمد حسین علی الصغیر: دراسات قرآنیة (بخش المبادئ العامة لتفسیر القرآن)، مكتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۳، ۵۲.
۴۶. ر.ک: عبدالعظیم زرقانی: مناهل العرفان فی علوم القرآن، دارالکتاب العلمیة، بیروت، ۱۹۸۵ م، ج ۲، ص ۱۸۴، ۱۸۵.
۴۷. ر.ک: کارم سید غنیم: الاشارات العلمیة فی القرآن الکریم بین الدراسة والتطبیق، دارالفکر العربی، قاهره، ۱۹۹۵ م، ص ۹۷، ۹۸.
۴۸. ر.ک: همان، ص ۹۹.
۴۹. یحیی نظری: قرآن و پدیده‌های طبیعت از دیدگاه دانش امروز، سحاب کتاب، تهران، ۱۳۵۸ ش، ص ۱۹.
۵۰. حسین ابولعینین: من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، مكتبة العبیکان، ریاض، ۱۹۹۶ م، ط ۱، ص ۵۲، ۵۳.
۵۱. ر.ک: عبدالکریم موسوی اردبیلی: مقالة تعارض علم و دین در خلقت انسان، نامه مفید، شماره ۹، ص ۲.
۵۲. ر.ک: یدالله سحابی: خلقت انسان، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۵۱، ص ۱۰۷.
۵۳. ر.ک: محمد صادقی: زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن، کتابفروشی مصطفوی، تهران، چاپ سوم، ص ۳۴۲.
۵۴. ر.ک: جلال الدین سیوطی: الاکلیل فی استنباط التنزیل، دارالکتاب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۵ ق، ط ۳، ص ۱۵، ۱۶.

